

بسم الله الرحمن الرحيم

نمونه سؤالات امتحانی ثلث اول کتاب جواهرالبلاغه
شماره صفحات درج شده متعلق به چاپ قدیم کتاب جواهرالبلاغه می باشد

۱- در امثله زیر کلمات غیر فصیح را با علت مشخص کنید .
الف (غدائره مستشزات الی العلا تصل العقاص فی مثنی و مرسل
[تنافر حروف در کلمه مستشزات « خفیف در ثقل » [صفحه ۱۶
ب (الحمد لله العلی الاجل
[مخالفت قانون علم صرف در الاحلل که باید به صورت الاحل « یعنی ادغام دو لام » به کار رود [صفحه ۱۹

۲- کدام گزینه، شرط فصاحت کلمه نیست ؟ صفحه ۱۶
الف (نداشتن تنافر کلمات ■
ب (غریب نبودن کلمه
ج (مخالف نبودن کلمه با قانون صرفی
د (کراهت نداشتن کلمه در گوش

۳- فرق بین تنافر حروف و تنافر کلمات را بیان فرمائید ؟ صفحات ۱۶ و ۲۳
تنافر حروف : سنگینی کلمه بر گوش و دشواری تلفظ آن بر زبان که ناشی از قریب المخرج بودن حروف آن است .

تنافر کلمات : این که کلمات یک کلام بر اساس ترکیبی که با یکدیگر دارند ، بر گوش سنگین بوده و تلفظ آنها بر زبان دشوار باشد (هر چند هر یک از آنها به تنهایی فصیح باشد .)
« کلامی که تنافر کلمات ندارد قطعاً تنافر حروف را نیز ندارد »

۴- کدام یک از اجزای دو بیت زیر فصیح نیست ؟ چرا ؟ صفحه ۲۰
الف (ألا لا أری اثنین أحسن شیمه // علی حدثان الدهر منی و من جمل
ب (مبارک الاسم أغر القلب // کریم الجرشی شریف النسب

الف) وصل نکردن همزه وصل «اثنین» در شعر [همزه وصل در درج کلام ساقط می شود و جایز نیست که قرائت گردد. ولی در این شعر، همزه «اثنین» بر خلاف قیاس، خوانده می شود. حرف پیش از همزه و بعد از آن به هم اتصال نمی یابد.

ب) واژه «جرشی» در شعر که بد آهنگ و گوش خراش است.

۵- هر یک از مثالهای زیر، کدام قید معتبر در فصاحت را ندارد؟

الف) «ساطلب بعد الدار عنکم لتقربوا / و تسکب عینای الدموع لتجمدا»

ب) «جفخت و هم لا یجفخون بها هم / شیم علی الحسب الاغر دلائل»

ج) «خلت البلاد من الغزاة لیلها / فاعضهاک الله کی لا تحزنا»

د) «و قبر حرب بمکان قفر / و لیس قرب قبر حرب قبر»

جواب الف) تعقید معنوی صفحه ۲۶

جواب ب) تعقید لفظی صفحه ۲۵

جواب ج) ضعف تألیف صفحه ۲۴

جواب د) تنافر کلمات مجتمه، شدید الثقل صفحه ۲۴

۶- در عبارت «ولو انّ مجدّاً اخلد الدهر واحداً، ومن الناس ابقي مجده الدهر- مطعما-»، ...، محلّ به

فصاحت کلام است. صفحه ۲۵

الف) ضعف تألیف ■

ب) مخالفت قیاس

ج) تعقید معنوی

د) الف وب

۷- وجه عدم فصاحت در (ابقی مجده الدهر (مطعما) (و) کریم متی آمدحه آمدحه و الوری معی) و

(مستشورات) به ترتیب می باشد ۱۷ و ۲۴ و ۲۵

الف) مخالفت قیاس - ضعف تألیف - کراهت در سمع

ب) مخالفت قیاس، غرابت، تعقید لفظی

ج) ضعف تألیف - تنافر کلمات - تنافر حروف ■

د) ضعف تألیف، مخالفت قیاس تنافر در حروف

۸- دو قسم کنایه را در این شعر بیان کرده بفرمائید کدام کنایه غیر فصیح است و چرا؟ صفحه ۲۶

سأطلب بعد الدار عنكم لتقربوا / و تسكب عینای الدموع لتجمدا

کنایه اول : عینای الدموع ، شاعر ریزش اشکها را کنایه از غم و اندوهی دانسته که از دوری دوستان ، پدید می آید و این نیکو و درست است .

کنایه دوم : لتجمدا ، و لکن خشکی چشم را کنایه از شادی و سرور قرار داده است که ملاقات با دوستانش پدید می آید و این خطا و معنی آن دور از دسترس است . زیرا در کلام عرب شناخته نشده که هنگام دعا برای شادمانی کسی بگویند « جُمِدْتُ عَیْنُک » چشمت خشک باد و یا بگویند : « لا زالت عینک جامد » یعنی چشمت پیوسته خشک باد . بل معروف پیش آنان این است که : خشکی چشم را کنایه از گریه نکردن و اشک نداشتن هنگام اندوه می دانند . پس این کنایه دوم غیر فصیح است .

۹- هر یک از مثالهای زیر، کدام قید معتبر در فصاحت را ندارد؟ صفحات ۲۴ و ۲۶ و ۲۷

الف) (سأطلب بعد الدار عنكم لتقربوا / و تسكب عینای الدموع لتجمدا) « تعقید معنوی » زیرا خشکی چشم را کنایه از شادی و سرور قرار داده که از ملاقات با دوستانش پدید می آید و این خطا و معنی آن دور از دسترس است .

ب) (جفخت و هم لا یجفخون بما هم / شیم علی الحسب ألاغر دلائل) « تعقید لفظی » فاصله‌های بیجا بین « جفخت » و « شیم » که فاعل آن است و بین « شیم » و « دلائل » که صفت آن است .

ج) (خلت البلاد من الغزاة لیلها / فأعاضهاک الله کی لا تخزنا) « ضعف تألیف » در « فأعاضهاک » دو ضمیر هست یکی « هاء » که ضمیر غایب است و دیگری « ک » که ضمیر مخاطب است . بر اساس قوانین نحوی باید « ک » و « هاء » مقدم شود چون ضمیر مخاطب اعرف از ضمیر غایب است .

د) (وقبر حرب بمكان قفر / و لیس قرب قبر حرب قبر) تنافر کلمات

البلاغة فی الکلام مطابقتها لما يقتضيه حال الخطاب مع فصاحة الفاظه صفحه ۳۲

۱۰- مراد از حال الخطاب - المقتضى _ و مطابقة الکلام للمقتضى را با ذکر مثال توضیح دهید .

« حال خطاب » یا « مقام خطاب » چیزی است که گوینده را وادار می کند تا سخنش را به گونه ویژه‌ای ارائه کند و از گونه دیگر سخن بپرهیزد .

مثلاً تیزهوشی مخاطب ، حالی است که : کوتاه بودن سخن را می طلبد . بنابراین ، تیزهوشی ، حال و مقام است و کوتاه آوردن ، مقتضی است و ایراد سخن به شکل کوتاه « مطابقت با مقتضی » است . و مقتضی که « اعتبار مناسب » نیز نامیده می شود شکل ویژه‌ای است که سخن بدانگونه ایراد می گردد.

۱۱- در مورد عدم فصاحت و وجه آن در مثالهای زیر توضیح دهید. صفحه ۲۵ و ۲۷

الف (الحمد لله العلیّ الجلل - مخالفت قیاس

ب) و لو انّ مجدا اخلد الذّهر واحدا من النّاس ابقى مجده الذّهر (مطعما) ضعف تألیف

ج) حمامة جرعی حومة الجندل اسجعی - تتابع اضافات در حمامة و جرعی و حومة و الجندل (الجندل مضاف الیه است)

د) لقائل یا نصر نصر نصرّاً - کثرة تکرار

۱۲- تفاوتهای « فصاحت » و « بلاغت » را بنویسید . صفحه ۳۸

الف (فصاحت ، تنها منحصر در وصف الفاظ است ولی بلاغت ، وصف الفاظ با معانی است .

ب (فصاحت ، وصف کلمه و کلام قرار می گیرد لکن بلاغت ، وصف کلام می شود نه وصف کلمه

ج) و فصاحت کلام ، شرط در بلاغت کلام است . بنابر این ، هر کلام بلیغی فصیح است ولی همه سخنهای فصیح ، بلیغ نیست . مانند سخن کسی که به گستردگی طولانی ادا شده است هنگامی که می بایست سخن ، کوتاه ایراد گردد.

۱۳- فصاحت کلام از جهت ... و بلاغت آن از جهت ... می باشد. صفحه ۳۸

الف (لفظ ، معنی ب) معنی ، لفظ

ج) لفظ ، لفظ و معنی با هم د) معنی ، لفظ و معنی با هم

۱۴- « حال » و « مقتضای حال » را با مثال تعریف کنید . صفحه ۳۹

میان متکلم و مخاطب همواره یک فضا و جوّی حاکم است که اگر متکلم بخواهد منظور خود را برساند باید جوّی سخن بگوید که با آن جو سازگاری داشته باشد مثلاً انکار مخاطب یک حالی است و کلام موکّد کلامی است که مطابق با آن حال یعنی انکار مخاطب مثلاً در آیه قال الله تعالى : وَاَنَا لَانْدَرِي اَشْرُ اُرِيدُ بِمَنْ فِي الْاَرْضِ اِم اراد بهم ربّهم رشداً خداوند متعال فرمود : براستی ما نمی دانیم آیا برای آنان که در زمین زیست می کنند بدی خواسته شده است یا خداوند برای آنان ، راه یافتن را خواسته است .

الف (و انا لا ندري اشر اريد بمن في الارض

ب (ام ارادهم ربهم رشداً صفحه ۳۹

[الف : حال در « اشر اريد » نسبت شرّ به خداوند متعال ندادن است و مقتضی حال حذف فاعل یعنی نام خداوند است که نام خدا نیامده زیرا اصل آن اشر اراده الله بمن في الارض بوده و فعل اراده ، با شرّ به گونه مجهول آمده است

ب : حال در « ام اراد بهم ربّهم رشدًا » نسبت خیر و خوبی و رشادت به خدا دادن و مقتضای حال رها نکردن و ذکر فاعل که خدا است می باشد
و فعل به گونه معلوم آمده است .

۱۵- « البلاغة فی الکلام مطابقتها لما يقتضيه الحال الخطاب » . صفحه ۳۲

الف (هر کدام از (بلاغت کلام) و (حال) و (مقتضای حال) را در قالب مثال ، جداگانه بیان نمایید .
تعریف بلاغت کلام: کلامی که علاوه برداشتن فصاحت الفاظ مفرد یا مرکب ، با مقتضای حال مخاطب هماهنگ است . به عبارت دیگر ، به سازگاری کلام با حالات مخاطب ، بلاغت در کلام می گویند .
حالات مخاطب یا مقام او همان چیزی است که متکلم را واداشته است تا سخنان خویش را در آن قالب ایراد نماید .
منظور از مقتضای حال یا اعتبار مناسب ، همان شکل و صورت کلام متکلم است ، مثلاً عوام بودن مخاطب اقتضا دارد تا سخنان سخنان خود را با وضوح بیشتری بیان کند . در اینجا عوام بودن را حال و مقام مخاطب و وضوح سخنان متکلم را مقتضی می گویند .

ب) بین کلام بلیغ و کلام فصیح چه نسبتی از نسب اربع می باشد ؟ توضیح دهید . صفحه ۳۸
کلام بلیغ (اخص مطلق) و کلام فصیح (اعم مطلق) یعنی هر بلیغ فصیح است ولی هر فصیح بلیغ نیست چون ممکن است رعایت فصاحت شده باشد ولی مطابق با مقتضای حال نیست . مانند سخن کسی که به گستردگی و طولانی ادا شده است هنگامی که می بایست سخن ، کوتاه ایراد گردد.

۱۶- فصاحت کلام از جهت ... و بلاغت آن از جهت ... می باشد . صفحه ۳۸

الف (لفظ ، معنی

ب) معنی ، لفظ

ج) لفظ ، لفظ و معنی با هم ■

د) معنی ، لفظ و معنی با هم

۱۷- هر یک از (تنافر حروف) و (غرابت) و (مخالفت قیاس) به ترتیب به واسطه شناخته می شود .

صفحه ۴۰

الف) ذوق (حسّ) ، علم لغت ، علم صرف ■

ب) علم بیان ، علم صرف ، علم نحو

ج) علم نحو ، علم معانی ، علم صرف

د) علم لغت ، علم صرف ، علم معانی

۱۸- انواع سه گانه اسلوب را نام ببرید . و تکرار و استعمال مترادفات از ممیزات کدام یک از آنها می باشد ؟

صفحه ۴۱ و ۴۲

اسلوب علمی و اسلوب ادبی و اسلوب خطابی -

از نوع (اسلوب خطابی) می باشد

۱۹- « فائده خبر » را تعریف نموده و غرض از القاء خبر را در موارد زیر بیان کنید . صفحه ۵۲ و ۵۳

« قوله تعالى : ربّ ائی وضعتها انئی » - اظهار تحسر بر شیء محبوب

« قوله تعالى : ربّ ائی وهن العظم منی » - اظهار ضعف و خشوع

« ابغض الحلال الى الله الطلاق » - تحذیر

فائده خبر ، یعنی رساندن حکم جمله به مخاطبی که از آن بی اطلاع است . مانند « الدّین معامله » یعنی بدهکاری و بستانکاری یک داد و ستد است . در اینجا می خواهیم به مخاطب بی خبر بفهمانیم که بدهکاری و بستانکاری هم داد و ستد است .

۲۰- و منها تزییل غیر المنکر منزلة المنکر اذا ظهر علیه شی من امارات الانکار کقوله « جاء شقیق عارفاً رحمه انّ

بنی عمک فیهم رماح » صفحه ۵۷

عبارت را کاملاً شرح و توضیح دهید و بفهمانید مربوط به چه مبحثی است ؟ گاهی حالات مخاطب اقتضاء دارد که متکلم برای رعایت بلاغت ، کلام خود را تغییر دهد . و بر خلاف مقتضای ظاهر حال ایراد کند . از جاهایی که سخن بر خلاف مقتضای ظاهر حال آورده می شود ، جایی است که متکلم ، غیر منکر را به منزله منکر بگیرد هنگامی که چیزی از نشانه های انکار بر او رخ نماید . مانند سخن شاعر : شقیق ، نیزه به پنا نهاده آمد . (ای شقیق) بی گمان در میان پسر عموهایت نیزه هاهست . « شقیق مردی بود که وجود نیزه های پسران عمویش را انکار نمی کرد لکن آمدنش به گونه ای که به شجاعتش می بالید ، نیزه اش را به پنا بر رانش نهاده بود و سواره می گذشت . بدون اینکه از دشمن باک داشته باشد اینها همه به منزله این بود که وی نیزه داشتن پسران عمویش را انکار نمی پذیرفت و مرد پایداری در میان آنان نمی یافت در عبارت « جاء شقیق عارضاً رحمه » روند سخن به شیوه غیبت است . بدین شکل که آمدن ویژه او حکایت می شود . لکن در « انّ بنی عمک فیهم رماح » لحن سخن ، به خطاب می گراید و شقیق ، مخاطب قرار می گیرد نا مسخره شود .

۲۱- نوع خبر (ابتدایی ، طلبی ، انکاری) ادوات تاکید و وجه آوردن یا نیاوردن تأکید در مثالهای زیر را

مشخص نمایید . صفحه ۵۵ و ۵۶ و ۵۸

■ لعمری انّ الحق یعلو و لا یعلی علیه

انکاری ، برای رفع انکار تأکید آمده است [مخاطب منکر است برای خبری که اراده شده القای خبر به مخاطب منکر] و عبارت با سوگند (یعنی عمری) و (انّ) و اسمیه بودن تأکید شده است .

■ المال و البنون زينة الحياة الدنيا

ابتدائی ، بدون تأکید لعدم الحاجة الى التاكيد [مخاطب خالی الذهن از خبر است مترددو شاک و منکر نیست] و بدون ادات تأکید آمده است .

■ والله انه لقادم

انکاری برای رفع انکار تأکید شده [مخاطب منکر خبر است در حالی که معتقد است خلاف خبر را] ادوات تأکید عبارت است از : سوگند (والله) و (انّ) و اسمیه بودن و حرف (لام) .

■ قولک فی افتتاح کلام : ان افضل ما نطق به اللسان کذا :

با اینکه ابتدائی است بخاطر شرف حکم و تقویت حکم تأکید شده است [با اینکه تردید و انکار در حکم نیست]

۲۲- معنای مجازی جمله اسمیه و جمله اسمیه را بیان فرمایید با شرائط ؟ صفحه ۶۲

جمله فعلیه گاهی استمرار تجدّی شیئاً فشیئاً را به حسب مقام و یاری قرائن می رساند نه به حسب وضع به شرط آنکه فعل مضارع باشد

گاهی جمله اسمیه دوام و استمرار را به حسب قرائن می رساند زمانی که در خبرش فعل مضارع نباشد مثلاً کلام در مقام مدح یا معرض ذم کسی باشد « و انک لعلی خلق عظیم » جمله اسمیه اگر خبرش مفرد باشد مانند الوطن العزیز یا خبرش جمله اسمیه باشد مانند الوطن هو سعادتی ثبوت و استمرار را می رساند و اگر جمله اسمیه خبرش جمله فعلیه باشد مانند الوطن سعد باینائه تجدد و حدوث را می رساند در زمان مخصوص .

۲۳- گزینه نادرست کدام است ؟ صفحه ۵۱

الف) مدلول خبر در خارج ، بدون گفتن هم تحقق دارد

ب) خبر کلامی است که احتمال صدق و کذب لذاته دارد

ج) مراد از نسبت کلامیه ، واقع و نفس الامر است ■

د) منظور از صدق ، تطابق نسبت کلامیه با نسبت خارجیه است .

۲۴- « يذکر المسؤول عنه فی التصوّر بعد الهمزة ويکون له معادل یذکر بعد «أم» غالباً . » صفحه ۷۴

ضمن یک مثال ، مراد از «المسؤول عنه» «التصور» و «معادل» را بنویسید . «ام» ی که دارای این خصوصیات ها است ، چه نام دارد ؟

در هنگامی که با همزه ، در جستجوی تصور باشیم مسئول عنه را پس از همزه می آوریم . این مسئول عنه ، گاه معادلی دارد که غالباً پس از « ام » می آید و این « ام » متصله است مثل « ایوم الخمیس قدمت ام یوم الجمعة » آیا روز پنجشنبه آمدی یا روز جمعه ؟ در اینجا « یوم الخمیس » ظرف و مسئول عنه است . و « یوم الجمعة » معادل « یوم الخمیس » است . و پس از ام متصله آمده

۲۵- ● « واعلم انّ کلّ ما وضع من الاخبار فی الصورة الاستفهام تجددت له مزیة بلاغیة ، زادت المعنی روعة و جمالا » صفحه ۸۱

عبارت فوق را با ذکر یک مثال توضیح دهید .

و بدان : جمله های خبریه ای که به گونه استفهام عرضه شد و یا بعداً ذکر می شود ، امتیاز بلاغی تازه ای دارد که بر معنی آن ، شکوه و زیبایی افزوده است . مانند : الاستئناس (انس خواهی و ایجاد الفت و آشنایی کردن ، مانند کلام خداوند متعال « ما تلک یومینک یا موسی » در دست راست چیست؟ این سخن ، برای ایجاد انس و ریختن ترس و هراس حضرت موسی ارائه شده است . این مثال شماره هفت کتاب است .

۲۶- در آیه های شریفه « الم نشرح لک صدرک » و « اغیر الله تدعون » ، به ترتیب ، استفهام به معنای ... بکار رفته است . صفحه ۷۹ و ۸۱

الف) تقریر ، انکار ■

ب) تنبیه ، تعجب

ج) تقریر ، تحقیر

د) تنبیه ، انکار

۲۷- ● « تقع ، [هل بسیطه] فی الترتیب العقلی بین ما التی لشرح الاسم و ما التی للحقیقة » صفحه ۷۸

مراد از « هل بسیطه » و « ترتیب عقلی » چیست ؟ برای عبارت فوق ، مثال مناسبی بنویسید .

در ترتیب و چینش عقلی [مقصود از ترتیب عقلی ، این است که : متاخر ، متوقف بر متقدم باشد ولی متقدم ، علّت برای متاخر نباشد مانند ، تقدم مفرد بر مرکب ، مفرد ، مقدم بر مرکب هست ولی علّت آن نیست .] ، « هل بسیطه » بین « ما » یی که برای بیان معنی کلمه است و بین « ما » یی که برای شرح حقیقت است ، قرار می گیرد . مثلاً اگر کسی معنی « بشر » را نداند در آغاز ، به وسیله « ما » یی که برای معنی کلمه است ، می پرسد : « ما البشر » و جواب می گیرد : « انسان » سپس با « هل بسیطه » از وجود یا عدم آن ، سراغ می گیرد ، بدین گونه که می پرسد : « هل البشر موجود » آیا بشر ، وجود دارد ؟ و جواب می شنود : « نعم » آری پس از آن ، درباره حقیقت بشر با « ما » یی که برای بیان حقیقت است ، سوال می کند و می گوید « ما البشر » یعنی حقیقت و ماهیّت بشر چیست ؟ در این هنگام ، در جواب او می گویند : « حیوان ناطق »

۲۸- اصطلاح « لازم فائده » را در قالب مثال تعریف کنید . صفحه ۵۲

متکلم می خواهد آگاهی خویش را از خبر ، به مخاطب بفهماند یعنی : به او برساند من نیز از خبر آگاهم . مثلاً تو به شاگردی که پیروزی و قبولیش را در آزمون ، از تو پنهان کرده است ، می گویی « انت نجحت فی الامتحان » یعنی تو در آزمون ، پیروز و قبول شدی ، این گونه هدفهای خبری را « لازم فائده » می نامند .

۲۹- در آیه های ذیل ، « امر و نهی » ، به چه معنایی به کار رفته است ؟ صفحات ۶۷ و ۶۸ و ۷۰

(اعلّموا ما شئتم ، آنّه بما تعلمون بصیر) - تهدید

(اهدنا الصراط المستقیم) - دوام

(ربّ اوزعنی أن أشکر نعمتک) - دعاء

(ربّنا لا تواخذنا ان نسینا او أخطانا) - دعاء

۳۰- در جمله های ذیل ، غرض از « القای خبر » چیست ؟ صفحات ۵۲ و ۵۳

(ربّ انی وهن العظم منی) - اظهار ضعف و خشوع

(انّ الله اصطفانی من قریش) - الفخر

(لا یستوی کسلان و نشیط) - التذکر بما بین المراتب من التفاوت

(عدل ساعة فی الحكومة خیر من عبادة ستین سنة) - تحریک الهمة الی ما یلزم تحصیله

۳۱- در آیه های شریفه (و اِلَهِکُم اِلَه واحد) و (ولا تخاطبنی فی الذین ظلموا انّهم مغرورون) ، به ترتیب

به کار رفته است . صفحه ۵۷ و ۵۸

الف (جعل تزیل منکر منزلة الخالی ، جعل السائل کغیر السائل

ب) جعل تزیل المنکر منزلة الخالی ، تزیل خالی الذهن منزلة السائل المتردد ■

ج) جعل غیر منکر الحکم کالمنکر ، جعل السائل کغیر السائل

د) جعل غیر منکر الحکم کالمنکر ، جعل غیر السائل کالسائل

۳۲- صیغه (انشاء) در جمله های (اُغیر الله تدعون) ، (کونوا حجارة أو حديداً) به ترتیب ، به چه معنا به کار

رفته است ؟ صفحه ۶۸ و ۷۹

الف (انکار ، تسویه ب) انکار ، اهانت ■

ج) تعجب ، تسویه د) تعجب ، اهانت

۳۳- کلامی که به مخاطب خالی الذهن القاء می‌شود ، کلام است و باید باشد . صفحه ۵۵

- الف (طلبی ، بدون)
ب (خبری ، با یک
ج (ابتدایی ، بدون ■
د (انکاری ، با چند

۳۴- گزینه نادرست کدام است؟ صفحه ۵۱

- الف (مدلول خبر در خارج ، بدون گفتن هم تحقق دارد .
ب (خبر کلامی است که احتمال صدق و کذب لذاته دارد .
ج (مراد از نسبت کلامیه ، واقع و نفس الامر است . ■
د (منظور از صدق ، تطابق نسبت کلامیه با نسبت خارجیه است .

۳۵- ● (يطلب بالهمزة أحد أمرين : تصور أو تصديق) صفحه ۷۳ و ۷۴

مراد از طلب (تصور و تصدیق) را ضمن یک مثال توضیح دهید .

تصور: در این جا فهمیدن و آگاهی از مفرد مورد سوال است ، مثل (أعلیّ مسافرٌ أم سعيد) مثلاً می‌داند سفری پیش آمده ولی مسافر را نمی‌داند می‌گوید (أعلیّ مسافر ام سعيد) لذا جواب به تعیین است .
تصدیق : برای طلب تصدیق: در این جا متکلم از وقوع یا عدم نسبت تام بین مسند و مسند الیه سؤال می‌کند و جواب با «نعم» و یا «لا» همراه است، مانند : أحضر الأمير ؟

۳۶- تأکید در هر یک از کلام ابتدائی ، انکاری ، طلبی : (بمقتضای ظاهر حال و قطع نظر از لحاظ شرف حکم) به ترتیب است . صفحه ۵۵ و ۵۶

- الف (جایز ، واجب ، مستحسن
ب (ممنوع ، مستحسن ، واجب
ج (جایز ، واجب ، مستحسن ■
د (جایز ، واجب ، مستحسن

۳۷- با توجه به عبارت : (الأمر: هو طلب الفعل من المخاطب : علی وجه الاستعلاء مع الإلزام ،) صفحه ۶۷

موضوع له صیغه امر چیست ؟ عبارتست از درخواست انجام فعل از مخاطب ، همراه با استعلاء و الزام . به این صورت که امر مقام خویش را بالاتر از مخاطب و او را ملزم به انجام آن بداند .

۳۸- علم معانی را تعریف کرده و موضوع و فایده آنرا بنویسید . صفحه ۴۴ و ۴۵

تعریف : اصول و قواعدی که حالات کلام عربی را می‌شناساند . حالاتی که کلام بوسیله آن با مقتضای حال مخاطب سازگار می‌شود و کلام با هدف متکلم در ایراد آن هماهنگ می‌باشد .

موضوع علم معانی : موضوع آن لفظ عربی از نظر بیان معانی ثانوی که همان اغراض و اهداف مورد نظر متکلم است ، می باشد ، یعنی کلام را به صورتی بیان کند که شامل ویژگیهای لازم برای هماهنگی با مقتضای حال باشد .
فائده علم معانی :

۱- شناخت اعجاز قرآن کریم از نظر سبک نیکو ، توصیف زیبا ، ترکیبهای ظریف ، وایجاز لطیف که خداوند قرآن را به آنها اختصاص داده است .

همچنین از نظر روان بودن کلمات ، سلیس و سالم بودن الفاظ و دیگر محاسن قرآنی .

۲- آگاهی از اسرار بلاغت و فصاحت در سخنان نثر و نظم عرب .

۳۹- نمی در موارد زیر در چه مواردی بکار رفته است ؟ ۷۰ و ۷۱

« لا تسألوا عن اشیاء ان تبدلکم تسوکم » - ارشاد

« لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتا بل احياء » - بیان عاقبت

« لاتعتذروا قد کفرتم بعد ایمانکم » - تبییس

« ایها الاخ تتوان » - التماس

۴۰- غرض از القاء خبر در « ربّ ائی وهن العظم منی » و « ائی فقیر الی عفو ربّی » و « ائک شمس و الملوک

کواکب » و « ابغض الحلال الی الله الطلاق » به ترتیب می باشد . صفحه ۵۲ و ۵۳

الف (اظهار ضعف و خشوع ، استرحام و استعطاف ، فخر ، توبیخ

ب) اظهار ضعف و خشوع ، استرحام و استعطاف ، مدح ، تحذیر ■

ج) استرحام و استعطاف ، اظهار ضعف و خشوع ، مدح ، توبیخ

د) استرحام و استعطاف ، اظهار تحسر ، فخر ، تحذیر

۴۱- معانی صیغه نمی در عبارات « لا تلتفت و انت فی الصلوة » و « لاتحزن انّ الله معنا » به ترتیب

می باشد . صفحه ۷۰ و ۷۱

الف) توبیخ - ائتناس ب) اهانت - التسجیل علی السامع

ج) کراهت - تعریض د) کراهت - ائتناس ■

<http://1zokr.com>

Copyright © 1Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است.